



## ساخت و اعتبار یابی مقیاس احساس حقارت

معصومه نصیری<sup>۱</sup>

## چکیده

احساس حقارت از نوعی احساس بی کمالی یا ناتمامی در هر بعد از زندگی ناشی می شود.<sup>۲</sup> این در حالی است که احساس حقارت عمیق و عدم تلاش برای جبران احساس حقارت سبب بروز اختلال در سلامت روان فرد خواهد شد. پژوهش حاضر با هدف ساخت مقیاس احساس حقارت انجام شد. جامعه آماری دانشجویان شهر تهران بود و ۴۵۰ نفر از دانشجویان این شهر به روش نمونه گیری در دسترس انتخاب شد. اعتبار کل این آزمون با استفاده از روش آلفای کرونباخ ۰،۸۹۵ محاسبه شد. بررسی روایی سازه مقیاس احساس حقارت از روش تحلیل مولفه های ، تحلیل عاملی اکتشافی با استفاده از نرم افزار spss و تحلیل عاملی تأییدی با استفاده از نرم افزار Amous انجام شد. بر این اساس این مقیاس دارای چهار عامل خودباعری و اختلال هیجانی و عدم استقلال و عزت نفس است.

کلید واژه ها : احساس حقارت، اعتبار یابی ، ساخت ، روایی

---

<sup>1</sup> کارشناس ارشد روان سنجی، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران مرکز Taraneh.nassiri@yahoo.com

<sup>2</sup> Adler



## مقدمه

احساس حقارت<sup>۳</sup> و خود خوار انگاری از هر نوع احساس بی کمالی یا ناتمامی در هر بعد از زندگی ناشی می شود (کرسینی<sup>۴</sup>، ۱۹۷۳؛ آدلر<sup>۵</sup>، ۱۹۵۴؛ هال و لیندزی<sup>۶</sup>، ۱۹۷۰) احساس حقارت نشانه غیر عادی بودن نیست بلکه علت تمام پیشرفت ها و بهبودی ها در ابعاد مختلف انسان به شمار می رود، این در حالی است که احساس حقارت عمیق و عدم تلاش برای جبران احساس حقارت سبب بروز اختلال در سلامت روان و ایجاد بیماری های روانی همانند افسردگی در فرد خواهد شد. از عناصر تشکیل دهنده احساس حقارت می توان به باور غلط، اعتقادات نامعقول، باید اندیشی، اجتناب از مشکلات، اتکا به دیگران، تجربه بد گذشته، برداشت غلط از مشکل، باور به وجود فقط یک راه حل، عزت نفس پایین، ناز پروردگی، عدم استقلال جبر متقابل در محیط زندگی، معیار های سخت برای ارزیابی از خود، خود کار آمدی تصویری، دور شدن از معیار های اخلاقی آموخته شده، اشاره کرد(آدلر ۱۹۸۷). علل احساس حقارت را می توان در سه دسته عمدۀ طبقه بندی کرد : ۱- تأثیر محیط - ۲- احساس حقارت واقعی - ۳- صفات یا خصوصیات غیر عادی و عجیب ( منصور<sup>۷</sup>، ۱۳۹۲). این سه علت ایجاد احساس حقارت ممکن است باهم یا هر کدام به تنها یا به ایجاد احساس حقارت بیانجامد. این احساس ممکن است طیف وسیعی از رفتار، از کمرویی تا استبداد و از تسلیو اطاعت بی حد تا شورش را در بر بگیرد (منصور، ۱۳۹۲).

احساس حقارت ممکن است از یک ضعف واقعی جسمی یا روانی، مانند عقب افتادگی جسمی یا ذهنی، انواع نقص عضو های مادر زادی مانند نابینایی و ناشنوایی، یا هر نوع بیماری روانی، نشأت بگیرد(منصور، ۱۳۹۲). همچنین احساس گناه نیز می تواند یکی از ابعاد احساس حقارت باشد که ناشی از عدم هماهنگی بین باور های اخلاقی و خویشن پنداری است(کرسینی<sup>۸</sup>، ۱۹۷۳). آدلر<sup>۹</sup> معتقد بود، همه افراد در تجربه های نخستین شان در جریان مقایسه خود با جهان اطراف، دچار احساس ضعف و ناتوانی می شوند. کودک عملا می بیند که در اطراف او، افرادی مستقل و نیرومند زندگی می کنند که قادرند به میل و اراده خود، به هر کاری اقدام کنند. در حالی که او در کلیه امور زندگی، حتی رفع نیازهای ابتدایی خویش، نیازمند دیگران است. بنابراین احساس حقارت در وی ایجاد می شود. فرد برای غلبه بر این حس ناخوشایند و جبران حقارت های خویش(خواه واقعی باشند یا خیالی) تلاش می کند به برتری دست یابد. به عقیده آدلر انسان سازنده سرنوشت خویش است و به تجارب خویش معنی و مفهوم می بخشد. به نظر آدلر افراد غیرعادی

<sup>3</sup> inferiority sensation

<sup>4</sup> Corsini

<sup>5</sup>. Adler

<sup>6</sup>. Hall & Lindzey

<sup>7</sup> Mansour

<sup>8</sup>. Corsini

<sup>9</sup>. Adler



مریض نیستند، بلکه انسان های مایوسی هستند که نیاز به امید و شهامت دارند. یک انسان سالم قادر است خود را از رنج احساس حقارت رها کند و مسیری را برای رشد بیابد تا با واقعیت زندگی روبرو شود و به جبران ناتوانی هایش بپردازد. اعتقاد به اینکه لازمه احساس ارزشمندی وجود حداکثر لیاقت، کمال و فعالیت شدید است نیز امکان پذیر نیست و تلاش وسوسی در راه کسب آن فرد را به اضطراب و بیماری های روانی مبتلا می کند(پاترسن<sup>۱۰</sup>، الیس<sup>۱۱</sup>، ۱۹۶۶؛ پاپن<sup>۱۲</sup>، ۱۹۷۴؛ پاپن<sup>۱۳</sup>، ۱۹۷۳). سلامت شامل شرایطی است که در آن فرد بتواند استعداد ذاتی خود را برای انجام دادن هر چه بهتر وظایف شخصی و اجتماعی به کار گیرد و در نتیجه آن با جامعه سازگاری داشته باشد و کنار بباید و توانایی خود را به عمل تبدیل کند (سهرابی، ۱۳۷۹). آدلر هدف زندگی را کمال جویی میداند و احساس حقارت را نیروی کشش مهمی برای انسان می داند که در شرایط طبیعی انسان را به سوی جبران احساس حقارت و تلافی آن سوق می دهد (شفیع آبادی، ناصری، ۱۳۸۸) در نظر اریکسون شخصیت به هشت مرحله روانی-اجتماعی تقسیم می شود که چهار مرحله از آن مانند مراحل دهانی ، مقعدی ، آلتی ، نهفتگی فروید است و تفاوت آنها در این است که اریکسون با توجه و تأکید بر همبستگی های روانی-اجتماعی به بیان نظریه می پردازد . اریکسون عقیده دارد که رشد تحت تأثیر رشیش یا اپی ژنیک<sup>۱۴</sup> قرار دارد و وراثت نقش تعیین کننده در ویژگی های مراحل رشد دارد. مرحله نهفتگی رشد روانی-اجتماعی اریکسون بین ۱۱-۶ سالگی روی میدهد و در این دوره فرد در برابر تأثیرات اجتماعی جدیدی قرار می گیرد که به منزله وسیله ای برای کسب تحسین و رضایت خاطر به شمار می رود و اریکسون آن را سخت کوشی در برابر حقارت نامیده است. در نظر اریکسون<sup>۱۵</sup> در صورتی که کودک از سوی والدین ، معلمان ... مورد سرزنش ، تمسخر قرار گیرند و یا طرد شوند احساس بی کفایتی و ناتوانی در آنها رشد خواهد یافت و به ایجاد احساس حقارت خواهد انجامید و در صورتی که در این مرحله مورد تحسین و تشویق قرار گیرند احساس شایستگی در آنها پرورش یافته و به تلاش بیشتر در انجام فعالیتها ترغیب می شوند. احساس شایستگی توانایی استفاده از مهارت و هوش و پی گیری و اتمام فعالیت است(سید محمدی، ۱۳۸۸). پیازه معتقد است کودک به همراه چند بازتاب سازمان یافته همچون مکیدن و دست دراز کردن و گرفتن اشیاء ، متولد می شود، وی توانایی کلی فرد در انجام این امور را طرحواره<sup>۱۶</sup> می نامد. طرحواره ها هم در رفتار آشکار<sup>۱۷</sup> بروز می کنند و هم در رفتار پنهان<sup>۱۸</sup> رفتار آشکار را می توان همان شکل ظاهری رفتار دانست و رفتار پنهان را می توان تا حدی با تفکر یکسان دانست (سیف، ۱۳۹۲).

<sup>10</sup>.Patterson<sup>11</sup>.Elis<sup>12</sup>.Poppen<sup>13</sup>Epigenetic principle of matuartion<sup>14</sup>Ericsson<sup>15</sup>.Schema<sup>16</sup>.Overt<sup>17</sup>.Covert



طرحواره‌ها به شکلی رفتار‌ها را تحت تأثیر قرار می‌دهند که منجر به تأیید آنها می‌شود (Sadker<sup>18</sup> و Sadker, ۱۹۹۴). پیازه معتقد است که رشد جسمی فقط چهار چوب تحول ذهنی را فراهم می‌کند و علاوه بر آن برای تحول ذهن تجربه‌های فیزیکی و اجتماعی نیز مهم و مؤثرند (Sif, ۱۳۹۲). پیازه می‌گوید: «انسان درست از لحظه تولد به همان اندازه که تحت تأثیر محیط فیزیکی قرار می‌گیرد از محیط اجتماعی نیز متأثر می‌شود. جامعه حتی بیشتر از محیط فیزیکی ساختار فرد را تغییر می‌دهد، زیرا نه تنها او را مجبور به شناخت واقعیت‌ها می‌کند بلکه همچنین نظام از پیش آماده‌ای از علائم را در اختیارش می‌گذارد که افکار او را تغییر می‌دهد و او را با ارزش‌های تازه آشنا می‌کند و تعداد ناحدودی از تکالیف را بر عهده اش می‌گذارد» (پیازه، ۱۹۶۶، ص ۱۵۶). بنابراین طرحواره‌هایی که با عدم تأیید اجتماعی روپرتو شوند می‌توانند در فرد ایجاد احساس حقارت و اضطراب کنند. اضطراب و اختلال عاطفی و روانی در نظریه عقلانی-عاطفی الیس حاصل افکار غیر منطقی و غیر عقلانی است که به نظر الیس افکار و عواطف کنشهای متفاوت و جدا از هم ندارند. فرد با داشتن این عقاید که ۱- لازمه احساس ارزشمندی، حداکثر لیاقت و کمال و فعالیت شدید است. ۲- وقایع و حوادث باید آن طور باشند که او می‌خواهد و در غیر این صورت نهایت بیچارگی به بار می‌آید و فاجعه رخ می‌دهد. ۳- بد بختی و ناراحتی من حاصل وقایع بیرونی است. ۴- همیشه باید تلاش کند تا وقایع ترسناک یا خطرناک به وقوع نپیوندد تا نگرانی برایش حاصل نشود. ۵- اجتناب از برخی مشکلات زندگی و مسئولیت‌ها برای او آسانتر از مواجهه با آنها است. ۶- نیاز به تکیه کردن به یک فرد قوی و حمایت گرفتن از او دارد. ۷- تأثیر گذشته را در زندگیش نمی‌توان نادیده گرفت. ۸- برای رفع هر مشکل فقط و فقط یک راه حل وجود دارد، دچار اضطراب و یأس و در نهایت احساس حقارت در جامعه می‌شود و در نگرش خود شدیداً دچار اجبار و الزام خواهد شد (پاپن، ۱۹۷۴؛ پاترسن، ۱۹۶۶). الیس نظریه عقلانی-عاطفی خود را با روان‌شناسی آدلر موازی می‌داند.

بر طبق نظر راجرز، عزت نفس در اثر نیاز به توجه مثبت دیگران به وجود می‌آید. نیاز به توجه مثبت دیگران، شامل بازخوردها، طرز برخورد گرم و محبت آمیز، صمیمیت، پذیرش و مهربانی از طرف محیط به خصوص اولیاء کودک است (شاملو، ۱۳۶۸). در صورتی عزت نفس افراد آسیب ببیند فرد احساس حقارت را تجربه خواهد کرد. گریوز بر این عقیده است که شکست در زمینه دستیابی به نیازهای اساسی و خودشکوفایی منجر به ناامیدی و حقارت و بیماری شده و این توضیحی برای الگوهای رفتارهای مخرب است (Greeves<sup>19</sup>، ۱۹۷۴). مازل در سلسله مراتب نیازها و در سطح سوم، احترام به خود یا عزت نفس را قرار می‌دهد که مشتمل بر تمایل شایستگی، چیرگی، پیشرفت، توانمندی، کفایت، اطمینان، استقلال و آزادی است. زمانی که این نیازها ارضاء شود، فرد احساس ارزشمندی، توانایی، قابلیت متمرثمر بودن و اطمینان می‌کند و چنانچه این نیازها برآورده نشود، فرد احساس حقارت، درماندگی، ضعف و دلسربدی و نامیدی می‌کند

<sup>18</sup>.Sadker<sup>19</sup>.Greeves



(مفتاح، ۱۳۸۱). مید معتقد است که تصورات و نگرش های شخص، نقش زیادی در زندگی او دارند. این تصورات می تواند، مربوط به موقعیت های درونی یا بیرونی باشد. تصورات بر اساس بازخوردنی که از نظر دیگران به دست می آید، تشکیل می شود. بنابراین شخص خصوصیات خود را به گونه ای درک می کند که دیگران آن خصوصیات را به وی نسبت می دهند. او نتیجه گرفت عزت نفس بر اثر انعکاس ارزیابی دیگران، به وجود می آید و این اجتماع است که برای افراد معیارهای زندگی را تعیین می کند و از طرفی نظریات دیگران در شخص درونی می شود و عزت نفس او را شکل می دهد و در صورتی که خللی در عزت نفس فرد ایجاد شود می تواند موجبات ایجاد احساس حقارت را در فرد فراهم سازد (پور مقدسیان ، ۱۳۷۳). روان شناسان در مکتب وجود گرایی که حالت انگیزشی و احساسی افراد، را با توجه به تجربه شخصی آنها و کیفیت و معنی زندگی مورد توجه قرار داده اند بر این عقیده اند که شکست در زمینه دستیابی به نیازهای اساسی و خودشکوفایی منجر به نا امیدی و حقارت و بیماری شده و این توضیحی برای الگوهای رفتارهای مخرب است(گریوز<sup>۲۰</sup>، ۱۹۷۴). بندورا<sup>۲۱</sup> درباره اینکه علت رفتار آدمی چیست ، چنین بیان می کند که شخص محیط، و رفتار فرد در تعامل با هم هستند و تعیین کننده رفتار بعدی فرد هستند. بندورا این موقعیت را جبر متقابل<sup>۲۲</sup> نامیده است. تقویت ها و تنبیه ها به صورت بالقوه<sup>۲۳</sup> در محیط وجود دارند جنبه هایی از آنها بر فرد تأثیر می گذارند و تعیین کننده رفتار و احساسات فرد خواهند بود. همچنین فرد نیز با رفتار خود بر محیط تأثیر می گذارد. بهترین حالت آن است که باور ها و رفتار فرد با واقعیت منطبق باشد تا کارکرد روانی و رفتار فرد به خوبی درک شود و احساس شکست و جبر گرایی و حقارت نداشته باشد (سیف، ۱۳۹۲). بندورا می گوید «باور های مربوط به شرایط تقویتی مسلط تأثیر پیامدهای تجربه شده را تحت الشاعر قرار می دهند» (بندورا<sup>۲۴</sup>، ۱۹۷۷، ص ۱۶۶). برخی از رفتارها تلاشی برای خلاص شدن از حس ناخوشایندی است که فرد به خاطر واقعیت فraigیر و ناخوشاید با منشا بیرونی یا درونی احساس می کند. این یک نوع دفاع است که اهمیت هیجانی و احساساتی واقعیتی بیرونی یا درونی را بی ربط و غیر فعال و ناخودآگاه می کند. مهم ترین چیزی که در این رفتارها انکار می شود اثرات برخواسته از طبعی در هم شکسته است. فرد با انجام این رفتارها سعی می کند محافظتی در برابر اظطرابی مبهم بیابد تااز بازنمایی چنین هراسی پیشگیری نماید. در افراد مبتلا به هراس زدگی تخیلات حمایت کننده وجود دارد. تخیلاتی که بر شخصیت های حمایت گر و یا نظام های پشتیبان مرکز شده اند. یک معشوق، یک صنم، یک ماده، نظامی از رفتارها نمونه هایی از چیزهای حمایت گر هستند. فرد گذشته از انکار و نادیده انگاشتن شرایط ناخوشایندش راه های گریز دیگری برای مقابله با درماندگی اش پیدا می کند(لئون ورمسر ۱۹۷۴). از آنجایی که در زمینه ساخت مقیاس احساس

<sup>20</sup>.Greeves<sup>21</sup>.Bandura<sup>22</sup>.Reciprocal determinism<sup>23</sup>.potential environment<sup>24</sup>. Bandura



احقارت مبتنی بر نظریات گوناگون پژوهشی انجام نشده بود و نیاز به ابزار مناسب و مطابق با فرهنگ جامعه ما احساس می شد لذا در پژوهش حاضر به این مسئله که آیا میتوان برای احساس احقارت پرسشنامه ای ساخت؟ و آیا پرسشنامه ساخته شده از پایایی و روایی کافی برخوردار است؟ پرداخته شد.

### روش

روش پژوهش حاضر توصیفی-از نوع اکتشافی است. دانشجویان دانشگاه های استان تهران که در سال ۱۳۹۴ مشغول به تحصیل بودند جامعه آماری این پژوهش را تشکیل دادند که از بین آنها ۴۵۰ نفر(دختر و پسر) به روش نمونه گیری در دسترس انتخاب شدند. برای جمع آوری داده های پژوهش از پرسشنامه احساس حقارت استفاده شد. روش ساخت پرسشنامه مذکور به این صورت بود که با توجه به اینکه در زمینه احساس حقارت با استفاده از نظریات مختلف در این زمینه تاکنون پرسشنامه معتبری در داخل کشور طراحی نشده بود و با توجه به احساس ضررورت وجود آن برای مقاصد پژوهشی و حتی برای موضوعات مهمی همچون پیشگیری از ابتلا به افسردگی و افزایش سطح سلامت روان در جامعه، لذا محقق با مطالعه نظریات موجود در این زمینه درصد برآمد که به این مهم بپردازد.

**شیوه اجرا :** ابتدا با توجه به نظریات موجود در زمینه احساس حقارت عناصر تشکیل دهنده احساس حقارت از این نظریات استخراج شد. برای ساخت این تست از روش راهبرد های نظریه ای استفاده شده است که در این روش کوشش می شود محتوى آزمون به نحوی تهیه شود که با نظریات موجود در این زمینه همساز باشد(حسن پاشا شریفی، نسترن شریفی، ۱۳۹۱).<sup>۲۵</sup> سپس برای هریک از این عناصر ماده های مورد نیاز طراحی شد. برای تهیه مواد این تست از نظریه خود باوری (آدلر)،<sup>۲۶</sup> برای ساخت مواد ۱-۲-۳-۴-۵-۶-۷-۸-۹-۱۰-۱۱-۱۲-۱۳-۱۴-۱۵-۱۶-۱۷-۱۸-۱۹-۲۰-۲۱-۲۲-۲۳-۲۴-۲۵-۲۶ و ۲۷ با تأکید بر نظریه نازپروردگی (لیبرمان) و باید اندیشی (آدلر و الیس)،<sup>۲۷</sup> برای ساخت مواد ۱۱-۱۲-۱۳-۱۴-۱۵-۱۶-۱۷-۱۸-۱۹-۲۰-۲۱-۲۲-۲۳-۲۴-۲۵ و ۲۶ با تأکید بر نظریه نازپروردگی (لیبرمان) و اتکا به دیگران (آدلر و الیس) برای ۲۸ و ۲۹ ، نظریه عزت نفس (آدلر و الیس) با تأکید بر نظریه نازپروردگی (لیبرمان) و اعتقدات نا معقول درباره کفايت و موفقیت (آدلر و الیس) برای ۳۰ و ۳۱ و ۳۲ و ۳۳ ، نظریه عزت نفس (آدلر و الیس) و ۳۴ و ۳۵ و ۳۶ و ۳۷ و ۳۸ و ۳۹ و ۴۰ ، از نظریه عزت نفس (آدلر و الیس) و (لیبرمان) با تأکید بر نظریه عدم استقلال

<sup>25</sup> sharifi

<sup>26</sup> Adler

<sup>27</sup> Adler&Elice

<sup>28</sup> Liberman



(ریچارد جسر و شرلی جسر)<sup>۲۹</sup> برای مواد ۱۶-۴۰-۴۱-۴۲-۴۳-۴۴-۴۵-۴۶-۴۷-۴۸-۵۱-۵۲-۵۳-۵۶-۵۷-۵۸-۵۹-۶۰-۶۱-۶۲، نظریه هسته هراس نظام حمایتی (ورمسر)<sup>۳۰</sup> برای مواد ۵۶-۵۷-۵۸-۵۹-۶۰-۶۱-۶۲، نظریه عزت نفس (آدلر و الیس) و نظریه واژگونی و درماندگی نظام حمایتی (ورمسر) برای مواد ۵۴-۵۵-۵۶-۵۷-۵۸ استفاده شد. پس از اینکه هر سوال با استفاده از شاخص های پایایی و اعتبار سوال که شامل ۱- دشواری سوال ۲- انحراف معیار سوال ۳- شاخص پایایی سوال که به معنای همبستگی دو رشته ای نقطه ای بین سوال و نمره آزمودنی است(دلاور، ۱۳۹۰، ۴) شاخص اعتبار سوال که به معنای همبستگی دو رشته ای نقطه ای بین نمره های سوال و ملاک است(دلاور، ۱۳۹۰)، مورد بررسی قرار گرفت، سوال هایی انتخاب شد که دارای حداکثر پایایی ثبات درونی یا اعتبار وابسته به بهترین سوال ها باشد و دارای بار عاملی معنی داری باشند. سپس سوال های انتخاب شده بر روی گروه نمونه که تعدا آن بر طبق فرمول کوکران در سطح اطمینان ۹۵٪ ۴۵۰ نفر بود اجرا شدو فرآیند تحلیل عاملی تکرار شد. برای روایابی<sup>۳۱</sup> آزمون نهایی به یافته روایی ملاکی هر یک از ماده ها با عامل احساس حقارت پرداخته شد. برای اعتبار یابی تست نهایی با استفاده از نتایج داده های حاصل از روایی یابی تست به محاسبه اعتبار تست پرداخته شد. برای این کار ضریب آلفا برای روشن شدن همسانی درونی تست محاسبه شد که اندازه آلفای محاسبه شده ۸۹٪ بود. سپس برای استاندارد کردن تست نهایی به محاسبه نرم یا هنجار مناسب پرداخته شد و جدول نرم تنظیم گردید. با توجه به اینکه جامعه هدف این پژوهش دانشجویان استان تهران بود، برای این که شاخص دقیقی برای متوسط نمره این افراد بدست آید نمره های افراد خیلی جوان و افراد خیلی مسن حذف و نرم بر اساس نمره های دانشجویانی که سن آنان با سطح پایه تحصیلی شان متناسب بود، محاسبه شد و در نهایت نرم حاصل نرم سنی هنجاری شد. نرم محاسبه شده برای این آزمون نرم درصدی است که بر اساس نمره های خام آزمودنی های گروه نرم به دست آمده است. سپس نمره های Z و T محاسبه شد.

#### یافته ها

یافته های مربوط به ابزار (پرسشنامه احساس حقارت) در زیر ارائه شده است:

**پایایی<sup>۳۲</sup> پرسشنامه:** برای بررسی میزان ضریب پایایی و همسانی درونی مقیاس احساس حقارت از آلفای کرونباخ با استفاده از نرم افزار spss استفاده شد. مقدار آلفای کرونباخ ۰،۸۹۵ است که نشان می دهد مقیاس احساس حقارت از پایایی همسانی<sup>۳۳</sup> درونی خوبی برخوردار است. میزان همبستگی هر سؤال با نمره کل نشان می دهد که هر سؤال دقیقا احساس حقارت را اندازه گیری می کند و همه سؤال ها ویژگی بنیادی

<sup>29</sup>Jesser

<sup>30</sup>Wermeser

<sup>31</sup>validating

<sup>32</sup>.Reliability

<sup>33</sup>.Consistency



یکسانی را اندازه گیری می کنند. میانگین همبستگی بین سؤالی ۰,۳۴ است و مقادیر بین ۰,۱۰۴ و ۰,۷۶۵ قرار دارند. این یافته ها در جدول ۱ گزارش شده است.

### جدول ۱. پایایی مقیاس احساس حقارت

سوالات	سوال	سوال	واریانس در صورت حذف	همبستگی با پرسشنامه	آلفا در صورت حذف سوال
S5	۳۶,۳۹	۱۰۲,۸	۰,۵۴۹	۰,۸۹۲	۰,۸۹۲
S6	۳۶,۸۲	۱۰۱,۶	۰,۵۹۸	۰,۸۹۰	۰,۸۹۰
S7	۳۶,۵۵	۱۰۰,۲	۰,۶۹۶	۰,۸۸۷	۰,۸۸۷
S8	۳۶,۴۰	۱۰۰,۷	۰,۶۳۸	۰,۸۸۹	۰,۸۸۹
S9	۳۶,۲۶	۱۰۲,۲	۰,۵۷۱	۰,۸۹۱	۰,۸۹۱
S10	۳۶,۴۹	۱۰۰,۱	۰,۶۵۶	۰,۸۸۸	۰,۸۸۸
S13	۳۶,۷۷	۱۰۲,۸	۰,۵۳۲	۰,۸۹۳	۰,۸۹۳
S14	۳۶,۸۷	۱۰۳,۵	۰,۵۳۶	۰,۸۹۳	۰,۸۹۳
S28	۳۷۱۸	۱۰۷,۵	۰,۴۷۰	۰,۸۹۵	۰,۸۹۵
S38	۳۶,۷۹	۱۰۴,۹	۰,۴۸۵	۰,۸۹۴	۰,۸۹۴
S47	۳۶,۴۹	۱۰۴,۹	۰,۴۹۴	۰,۸۹۴	۰,۸۹۴
S48	۳۶,۵۷	۱۰۴,۳	۰,۴۷۸	۰,۸۹۵	۰,۸۹۵
S56	۳۶,۹۷	۱۰۳,۰	۰,۵۹۳	۰,۸۹۱	۰,۸۹۱
S57	۳۶,۹۲	۱۰۳,۵	۰,۵۲۹	۰,۸۹۳	۰,۸۹۳
S58	۳۶,۸۶	۱۰۳,۷	۰,۴۹۹	۰,۸۹۴	۰,۸۹۴
S59	۳۶,۷۶	۱۰۳,۵	۰,۵۱۱	۰,۸۹۴	۰,۸۹۴
S15	۳۶,۸۰	۱۰۳,۲	۰,۵۴۱	۰,۸۹۲	۰,۸۹۲

تحلیل اکتشافی: در تحلیل عاملی اکتشافی برای استخراج عامل ها از روش مولفه های اصلی <sup>۳۴</sup> و برای چرخش عامل ها از روش چرخش واریماکس استفاده شد. پس از تحلیل عاملی اکتشافی با استفاده از نرم



افزار اس پی اس از مجموع ۶۲ سوال اولیه، پس از چندین مرحله حذف سوالها تعداد ۱۷ سؤال با ضریب پایایی ۰,۸۹۵ به دست آمد و سایر سوالها به دلیل ناهمسانی با کل مقیاس حذف شدند. این سوالها شامل سوالات ۲۱-۳۳-۴۴-۴۰-۶۰-۲۵-۶۲-۱۲-۳۱-۳۲-۳۴-۲۴-۱۷-۳۵-۲۶-۵۶-۴۲-۲۳-۴۵-۴۶-۱۱-۱۶-۲۰-۳۶-۲۵-۶۰-۴۴-۰,۸۹۵ است. بنابراین مقیاس احسان حقارت با ۱۸ سوال و ضریب پایایی ۰,۸۹۵ پایایی مناسبی داشت. جدول ۲ ماتریس چرخیده شده اجزا را نشان می دهد که شامل بارهای عاملی هر یک از سوالات مقیاس در ۴ عامل باقی مانده پس از چرخش می باشد.

## جدول ۲ ماتریس اجزا پس از چرخش واریماکس

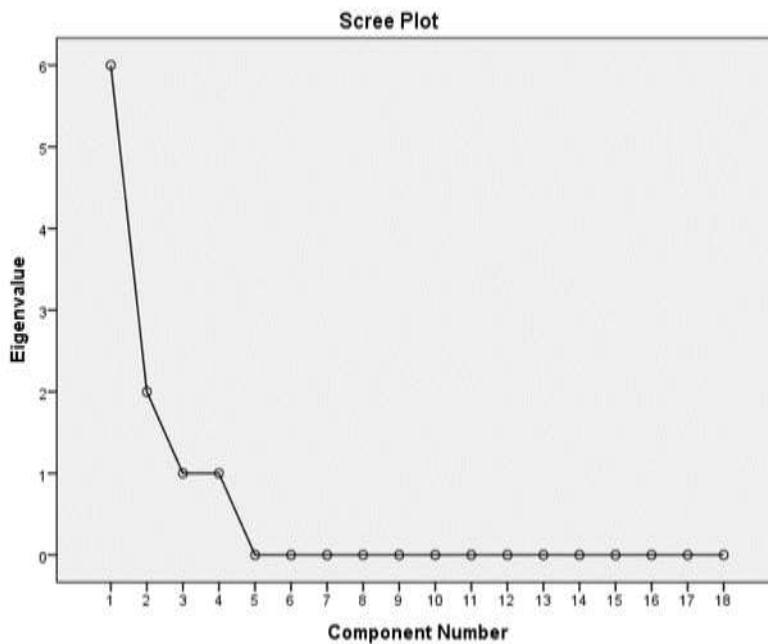
	Rotated Component Matrix <sup>a</sup>			
	Component			
	1	2	3	4
s8	.846			
s9	.833			
s1	.827			
0				
s7	.731			
s5	.702			
s6	.675			
s5		.876		
7				
s5		.806		
6				
s5		.805		
8				
s5		.802		
9				
s1			.707	
3				
s1				.687
4				
s3			.677	
8				
s2				.627



8		
s1		.622
5		
s4		.797
7		
s4		.758
8		
s5		.633
1		

سوالهای ۱۰, ۹, ۸, ۷, ۶, ۵ عامل اول یعنی خود باوری را تشکیل می‌دهد، سوالهای ۱۳, ۱۴, ۱۵, ۱۶, ۲۸, ۲۸, ۳۸ عامل دوم یعنی اختلال هیجانی را شامل می‌شوند، سوالهای ۴۷, ۴۸, ۵۱ عامل سوم یعنی عدم استقلال را تشکیل می‌دهند و سوالهای ۵۶, ۵۷, ۵۸, ۵۹ عامل چهارم یعنی عزت نفس را شامل می‌شوند. بعد از چرخش عامل اول با مقدار ویژه ۴,۰۹۷ مقدار ۷۶۲ درصد از واریانس مقیاس را به خود اختصاص داده است. عامل دوم با مقدار ویژه ۳,۱۹۱ مقدار ۴۰,۴۹۳ درصد از واریانس، عامل سوم با مقدار ویژه ۲,۵۶۲ مقدار ۵۴,۷۲۷ درصد از واریانس و عامل چهارم با مقدار ویژه ۲,۱۷۲ مقدار ۶۶,۷۹۲ درصد از واریانس مقیاس را به خود اختصاص داده است. نمودار سنگریزه<sup>۳۵</sup> عوامل مقیاس احساس حقارت تصویر گرافیکی مقادیر ویژه در هر یک از عامل‌های استخراج شده را نشان می‌دهد که در نمودار آورده شد.

<sup>35</sup> screplot



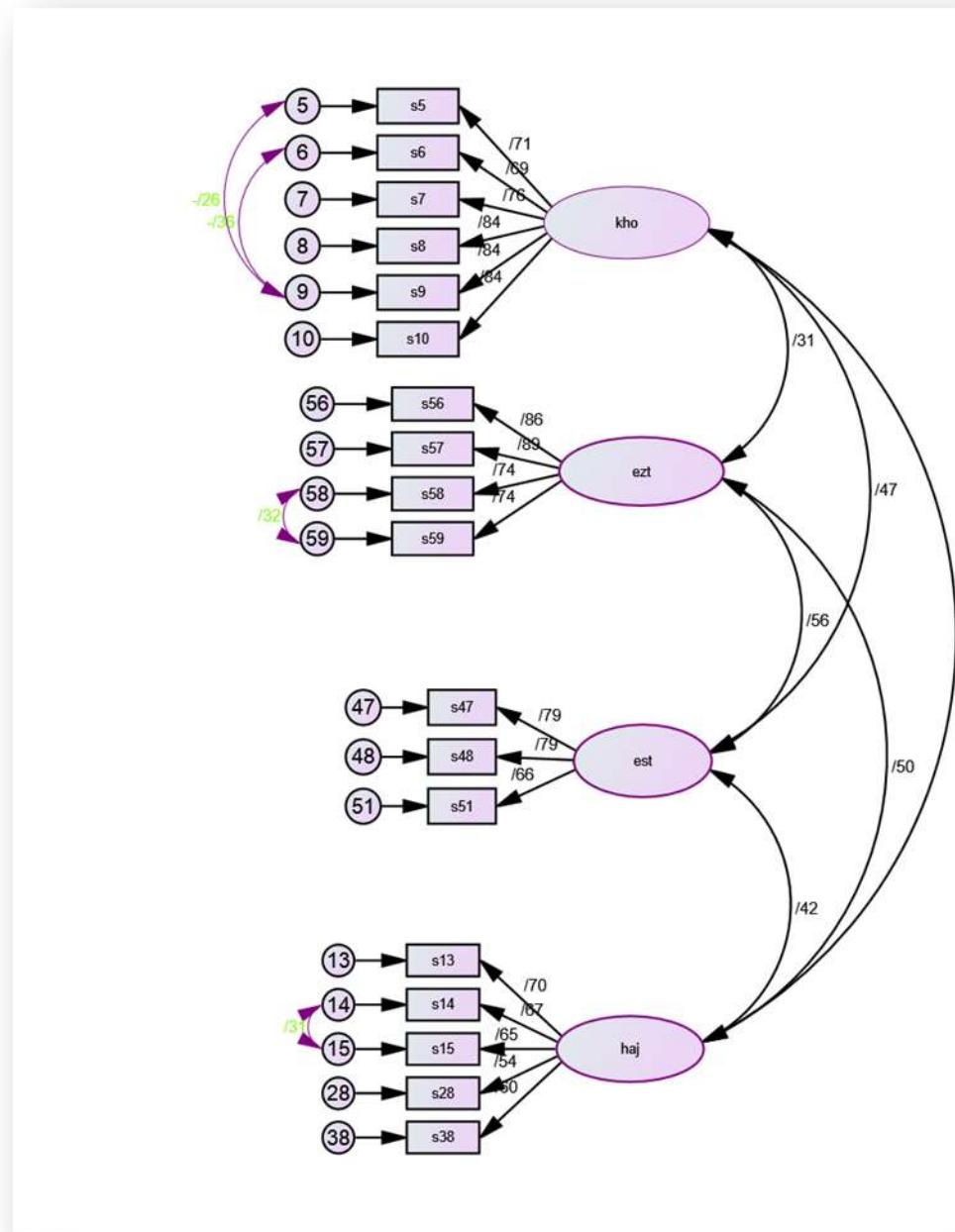
### نمودار ۱. نمودار سنگریزه عوامل مقیاس احساس حقارت

تحلیل عاملی تاییدی: برای تعیین روابی<sup>۳۶</sup> مقیاس احساس حقارت از تحلیل عاملی تاییدی، به وسیله نرم افزار amos ۲۲، استفاده شد. نسبت مجدد خی به درجه آزادی  $2,794$  است که نسبت به مدل‌های دیگر کمتر بود و از ملاک سرانگشتی  $2$  پایین تر بود. مقدار RMSEA مدل نهایی  $.063$ ، شد که مقدار خوبی است و نسبت به RMSEA مدل‌های دیگر بسیار کمتر بود که در جدول ۳ گزارش شده است.

### جدول ۳. شاخص‌های برازش تحلیل عاملی تاییدی مقیاس احساس حقارت قبل و بعد از اصلاح مدل

مدل ها	RMSEA	AGFI	GFI	CFI	NFI	df/x <sup>2</sup>	df	X <sup>2</sup>
مدل اولیه	$.083$	$.838$	$.878$	$.905$	$.879$	$4,119$	$129$	$531,402$
مدل	$.063$	$.888$	$.922$	$.950$	$.925$	$2,794$	$118$	$329,698$

<sup>36</sup>Validity



نمودار ۲. ضرایب مسیر مدل نهایی



## بحث

احساس حقارت در پاتوژنر متعدد آفات روانی از جمله عزت نفس پایین (استم<sup>۳۷</sup>، ۱۹۷۸)، مشکلات مربوط به مدرسه(برانتلینگر<sup>۳۸</sup>، ۱۹۹۳، روتبرگ<sup>۳۹</sup>، ۱۹۹۴)، شیوه های زیانبار حضانت فرزند(میلر<sup>۴۰</sup>، ۱۹۸۳)، تخلف(کلین<sup>۴۱</sup>، ۱۹۹۱)، فقر(دهل<sup>۴۲</sup>، ۱۹۹۲)، هراس اجتماعی(گریست<sup>۴۳</sup>، ۱۹۹۵)، اضطراب(بک و امری<sup>۴۴</sup>، ۱۹۸۵)، افسردگی(براون<sup>۴۵</sup> و هریس<sup>۴۶</sup> و هپورث<sup>۴۷</sup>، ۱۹۹۵)، پارانویا(کلین، ۱۹۹۱)، اختلاف های زناشویی(ووگل<sup>۴۸</sup> و لازار<sup>۴۹</sup>، ۱۹۸۷)، خشونت خانوادگی(براون، ۱۹۹۳) تجاوز جنسی(کینگ<sup>۵۰</sup>، ۱۹۹۲، دارک<sup>۵۱</sup>، ۱۹۹۰)، تجاوز به عنف(هرمن<sup>۵۲</sup>، ۱۹۹۲، کینگ، ۱۹۹۲)، اشکال مختلف خشونت(گیلیگان<sup>۵۳</sup>، ۱۹۹۶)، قتل های سریالی(هال<sup>۵۴</sup>، ۱۹۹۴)، دخیل است. در پژوهش حاضر تلاش شده تا از نظریات موجود در زمینه احساس حقارت برای ساخت مقیاس احساس حقارت استفاده شود. این نظریات شامل : نظریه آدلر(منصور، ۱۳۶۹، ص ۲۲)، (کرسینی، ۱۹۷۱؛ ۱۹۷۳)، (شفیع آبادی، ناصری، ۱۳۸۸)، (آدلر، ۱۹۵۴؛ کرسینی، ۱۹۷۳)، (فیروزبخت، ۱۳۸۱)، نظریات انتقادی بر نظریه آدلر(شولتز، ۱۳۹۰)، (شیلینگ،

<sup>37</sup>Stamm<sup>38</sup>Brantlinger<sup>39</sup>Rothenberg<sup>40</sup>Miller<sup>41</sup>Klein<sup>42</sup>Duhl<sup>43</sup>Greist<sup>44</sup>Beck&Emery<sup>45</sup>Brown<sup>46</sup>Harris<sup>47</sup>Hepworth<sup>48</sup>Vogel<sup>49</sup>Lazare<sup>50</sup>King<sup>51</sup>Darke<sup>52</sup>Herman<sup>53</sup>Gilligan



لوئیس، ۱۳۸۶)، (فیست و فیست)، نظریه اریکسون (سیدمحمدی، ۱۳۸۸)، نظریه پیازه (سیف، ۱۳۹۲)، (سادکر و سادکر، ۱۹۹۴)، (پیازه، ۱۹۶۶، ص ۱۵۶، ۱۹۶۶)، نظریه الیس (پاپن، ۱۹۷۴؛ پاترسن، ۱۹۶۶)، نظریه راجرز (راجرز، ۱۹۵۱)، (شاملو، ۱۳۶۸)، نظریه مازلوا (مفتاح، ۱۳۸۱)، نظریه جرج مید (پور مقدسیان، ۱۳۷۳)، نظریه گریوز (گریوز، ۱۹۷۴)، نظریه بندورا (سیف، ۱۳۹۲)، (بندورا، ۱۹۷۷، ص ۱۶۶)، نظریه لئون ورسر (لئون ورسر، ۱۹۷۴)، است. نتایج پژوهش حاضر نشان داد که مقیاس احساس حقارت از ۱۸ سوال و ۴ عامل با نام های ۱. خود باوری ۲. اختلال هیجانی ۳. عدم استقلال ۴. عزت نفس تشکیل شده است. نظریات افرادی مانند آدلر و لیبرمان و الیس و ورمسر و مازلوا<sup>۵۵</sup> و گریوز<sup>۵۶</sup> از ماده های این پرسشنامه حمایت می کند. برای ساخت عامل اول یعنی خودباوری از نظریات آدلر استفاده شده است که نتایج تحلیل عاملی نشان داد سوالات این مقیاس با نظریات آدلر همسو بود. به نظر آدلر انسان موجودی است بی همتا، مسئول، خلاق و انتخاب کننده که هم خوانی همه جانبی ای در ابعاد شخصیت او وجود دارد. به نظر آدلر افراد غیرعادی مریض نیستند، بلکه انسان های مایوسی هستند که نیاز به امید و شهامت دارند. برای ساخت عامل دوم یعنی اختلال هیجانی الیس و آدلر استفاده شد. نتایج تحلیل عاملی نشان داد سوالات این مقیاس با نظریات آدلر و الیس همسو بود. بطور کلی نباید از انسان بیش از آنچه در توانایی اوست، انتظار داشت در غیر این صورت همواره محکوم به قبول این فکر است که هیچ گاه نتیجه رضایت بخشی بدست نیاورده و از کوشش خود حاصلی به دست نیاورده است. اضطراب و اختلال عاطفی و روانی در نظریه عقلانی-عاطفی الیس حاصل افکار غیر منطقی و غیر عقلانی است که به نظر الیس افکار و عواطف کنشهای متفاوت و جدا از هم ندارند. فرد با داشتن این عقاید که ۱- لازمه احساس ارزشمندی، حداکثر لیاقت و کمال و فعالیت شدید است. ۲- وقایع و حوادث باید آن طور باشند که او می خواهد و در غیر این صورت نهایت بیچارگی به بار می آید و فاجعه رخ می دهد. ۳- بد بختی و ناراحتی من حاصل وقایع بیرونی است. ۴- همیشه باید تلاش کند تا وقایع ترسناک یا خطناک به وقوع نپیوندد تا نگرانی برایش حاصل نشود. ۵- اجتناب از برخی مشکلات زندگی و مسئولیت ها برای او آسانتر از مواجهه با آنها است. ۶- نیاز به تکیه کردن به یک فرد قوی و حمایت گرفتن از او دارد. ۷- تأثیر گذشته را در زندگیش نمی توان نادیده گرفت. ۸- برای رفع هر مشکل فقط و فقط یک راه حل وجود دارد، دچار اضطراب و یأس و در نهایت احساس حقارت در جامعه می شود و در نگرش خود شدیداً دچار اجبار و الزام خواهد شد (پاپن، ۱۹۷۴؛ پاترسن، ۱۹۶۶). الیس نظریه عقلانی-عاطفی خود را با روان شناسی آدلر موازی می داند. برای ساخت عامل سوم یعنی عدم استقلال از نظریات ورمسر و هاگن و ریچارد جسر استفاده شد. نتایج تحلیل عاملی نشان داد سوالات این مقیاس با نظریات ورمسر و هاگن و ریچارد جسر همسو بود و تبیین آن می توان بیان کرد که در افراد مبتلا به هراس زدگی تخیلات حمایت کننده وجود دارد. تخیلاتی که بر شخصیت های حمایت گر و یا نظام های پشتیبان متمرکز شده اند. یک معشوق، یک

<sup>۵۵</sup>Maslow<sup>۵۶</sup>Greeves



صنم، یک ماده، نظامی از رفتارها نمونه هایی از چیزهای حمایت گر هستند. فرد گذشته از انکار و نادیده انگاشتن شرایط ناخوشایندش راه های گریز دیگری برای مقابله با درماندگی اش پیدا می کند(لئون ورمسر ۱۹۷۴) که منجر به احساس حقارت می شود. برای ساخت عامل چهارم یعنی عزت نفس از نظریات لیبرمان و آدلر و الیس و راجرز و جرج مید و مازلو استفاده شد. نتایج تحلیل عاملی نشان داد سوالات این مقیاس با نظریات لیبرمان و آدلر و الیس و راجرز و جرج مید و مازلو همسو بود. در تبیین آن می توان گفت که کودکان نازپرورده نیز دستخوش احساس کهتری می باشند چرا که اینان مستبد و خود رای هستند؛ از نظر اجتماعی پرورش نیافته اند و ارزش ها و خواسته های آنان رشد غیر واقعی دارد ، خود محور و متقاضی هستند و از بلوغ لازم روانی برخوردار نمی باشند. آدلر این گروه از کودکان را به عنوان افرادی که بالقوه برای اجتماع خطرناک هستند نام می برد. جرج مید معتقد است که تصورات و نگرش های شخص، نقش زیادی در زندگی او دارند. این تصورات می تواند، مربوط به موقعیت های درونی یا بیرونی باشد. تصورات بر اساس بازخوردی که از نظر دیگران به دست می آید، تشکیل می شود. بنابراین شخص خصوصیات خود را به گونه ای درک می کند که دیگران آن خصوصیات را به وی نسبت می دهند. او نتیجه گرفت عزت نفس بر اثر انعکاس ارزیابی دیگران، به وجود می آید و این اجتماع است که برای افراد معیارهای زندگی را تعیین می کند و از طرفی نظریات دیگران در شخص درونی می شود و عزت نفس او را شکل می دهد و در صورتی که خللی در عزت نفس فرد ایجاد شود می تواند موجبات ایجاد احساس حقارت را در فرد فراهم سازد (پور مقدسیان ، ۱۳۷۳). مازلو در سلسله مراتب نیازها و در سطح سوم ، احترام به خود یا عزت نفس را قرار می دهد که مشتمل بر تمایل شایستگی، چیرگی، پیشرفت ، توانمندی، کفایت، اطمینان، استقلال و آزادی است. زمانی که این نیازها ارضاء شود، فرد احساس ارزشمندی، توانایی، قابلیت متمرث مر بودن و اطمینان می کند و چنانچه این نیازها برآورده نشود، فرد احساس حقارت ، درماندگی ، ضعف و دلسربدی و نالمیدی می کند (مفتاح، ۱۳۸۱). راجرز بر این عقیده است که فرد بین خود آرمانی و خود واقعیش تعادل برقرار می کند، تا به سلامت روان نزدیک شود. راجرز، عزت نفس را ارزیابی مداوم شخص از ارزشمندی خویشتن خود و یا نوعی قضاوت نسبت به ارزشندی وجودی خود تعریف کرده است. او معتقد است این صفت در انسان حالت عمومی دارد و محدود و زود گذر نیست. بر طبق نظر راجرز، عزت نفس در اثر نیاز به توجه مثبت دیگران به وجود می آید. نیاز به توجه مثبت دیگران، شامل بازخوردها، طرز برخورد گرم و محبت آمیز، صمیمیت، پذیرش و مهربانی از طرف محیط به خصوص اولیاء کودک است (شاملو، ۱۳۶۸).

## منابع فارسی :

- احمدوند، محمدعلی (۱۳۸۶). بهداشت روانی، تهران؛ انتشارات پیام نور، چاپ چهارم، ص ۳۲.
- امری، گری (۲۰۰۳). چیرگی بر افسردگی؛ (ترجمه محمدخانی، پروانه . رضایی).



ایزدی، سیروس (۱۳۵۲). روانشناسی شخصیت از دیدگاه مکاتب؛ تهران: امیرکبیر.

آسوده، عصمت (۱۳۸۶-۱۳۸۵). رابطه میزان و نوع تفکرات غیر منطقی با افسردگی در دانشجویان دانشگاه پیام نور شهر بیرون جند، پایان نامه کارشناسی ارشد، استاد راهنمای دکتر سیف الله بهاری. استاد مشاور: عبدالله شفیع آبادی.

آدل، آفرود. روانشناسی فردی؛ نشر روان.

بارون، رابرت بیرون، دان. برنسکامب، نایلا (۱۳۸۸). روان‌شناسی اجتماعی؛ (ترجمه کریمی، یوسف)، نشر روان.

برن، ژان. فلسفه رواقی؛ (ترجمه پور حسینی، سید ابوالقاسم)، تهران: امیرکبیر، ۱۳۵۶.

بک‌تست افسردگی.

دلاور، علی (۱۳۸۸). روش تحقیق در روان‌شناسی و علوم تربیتی؛ نشر ویرایش.

سنتر کلر، مایکل. درامدی بر روابط موضوعی و روانشناسی خود؛ (ترجمه طهماسب، علیرضا. علی افایی، حامد)، تهران: نشری (تاریخ انتشار به زبان اصلی ۱۹۹۶).

دلاور، علی (۱۳۹۳). مبانی نظری و عملی پژوهش در علوم انسانی و اجتماعی؛ تهران: رشد، ۱۳۹۳.

شاملو، سعید. مکتب‌ها و نظریه‌ها در روان‌شناسی شخصیت؛ تهران: رشد، ۱۳۸۲، چاپ هفتم، ص ۹۲.

شفیع آبادی، عبدالله (۱۳۷۷). نظریه‌های مشاوره و روان‌درمانی؛ مرکز نشر دانشگاهی.

شارف، ریچارد داس (۱۳۸۱). نظریه‌های روان‌درمانی و مشاوره؛ (ترجمه فیروزبخت، مهرداد). موسسه خدمات فرهنگی رسا.

شولتز، دوان. شولتز، سیدنی الن (۱۳۸۸). نظریه‌های شخصیت؛ (ترجمه سید محمدی، یحیی). نشر ویرایش. قربانی، ن (۱۳۸۴). فریندی‌های خودشناسی در جمعیت‌های بهنگار و بالینی؛ معاونت پژوهشی دانشگاه تهران.

کاپلان و سادوک (۲۰۰۷). (ترجمه رضاعی، فرزین). جلد اول و دوم. انتشارات کتاب ارجمند.

گاهه، ابراهیم (۱۳۸۴). موسسه انتشارات یزد.

عبدی، محبوبه (۱۳۸۵). بررسی رابطه بین افکار خود، شیوه‌های مقابله‌ای، احساس کهتری و خود شکوفایی در میان دانشجویان دوره کارشناسی استان تهران، پایان نامه کارشناسی ارشد.



محمود، منصور (۱۳۸۵). احساس کهتری.

معنوی پور، داود (۱۳۹۱). مقیاس سنجش سلامت روانی دانشجویان؛ مطالعات روان‌شناسی. دوره ۱ شماره ۹-۳۲: ۴

ولز، هاری کی. نقدی بر فرویدیسم از دیدگاه روانشناسی علمی؛ (ترجمه کسراییان، نصر الله). تهران: شبکه‌گیر، ۱۳۵۶.

### منابع انگلیسی

Merriam –Webster Inc. (2008). *Merriam- Webster Dictionary*. 11th ed. Merriam- Webster Inc.

Adler, K. (1987). striving for overcoming, striving for superiority. Retrieved on form: <http://ourworld.sompuserve.com/home pages/ hstain/ theoperac.htm>.

American Psychiatric Association. (1987). Diagnostic & Statistical manual of mental disorders (4th ed.). Washington, DC.

Beck, A. T., Steer, R. A., & Brown, G. K. (1996). Manual for the beck depression inventory-II. *San Antonio, TX: Psychological Corporation*, 1, 82.

Beck, A. (1967). Depression: Causes, treatment, and theoretical aspects. *Pennsylvania: University of Pennsylvania Press*. Berger, LE, Jodl, KM, Allen, JP, McElhaney, KB, &..

Fears, J. R. (2007). *The wisdom of history*. Teaching Company.

Ginges, J., & Atran, S., (2008), *Humiliation and the Inertia Effect: Implications for Understanding Violence and Compromise in Intractable Intergroup conflicts*, *Journal of Cognition and Culture*, (8) 281-294.

Saucier, G., & Skrzypinska, K. (2006). Spiritual but not religious? Evidence for two independent dispositions. *Journal of Personality*, 74(5), 1257-1292

.Saucier, G. (2000). Isms and the structure of social attitudes. *Journal of Personality and Social Psychology*, 78, 366B385.

Schuon, F. (1953). *De l'unité transcendance des religions. The Transcendent Unity of Religions*. Translated by Peter Townsend. Faber & Faber..

Spilka, B., Hood, R., Hunsberger, B., & Gorsuch, R. (2003). *The psychology of religion, an empirical approach*. New York: Guilford.

Hartling, L. M., & Luchetta, T. (1999). Humiliation: Assessing the impact of derision, degradation, and debasement. *Journal of Primary Prevention*, 19(4), 259-278.



## Build and validate a scale of inferiority

### Abstract

The Feeling humiliated is created from a kind of feeling of defective or incompleteness in every dimension of life. However, the feeling of Deep humiliation and shortage of effort to compensate for the humiliation will endanger the mental health of the individual. The present study was conducted with the aim of constructing a sense of humility scale. The statistical population was Tehran's students and 450 students from this city were selected by available sampling method. The total validity of this test was calculated using Cronbach's Alpha that's the result was 0.895. Investigating the Survey the structure of the sense of humiliation scale was done through component analysis, exploratory factor analysis, with using spss software and confirmatory factor analysis with using Amous software. according to this, the feeling humiliited scale has four factors of self esteem and emotional disturbance and lack of autonomy and self-estee

**Keywords:** humiliation feeling, validation, construction, reliability